

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: مجله هفته

۳۰ جولای ۲۰۲۱

مسأله فعلی امریکا این است که آیا می تواند بدون دشمن تراشی، توسعه پیدا کند یا خیر؟

«رابرت رایش» وزیر کار اسبق امریکا در مقاله ای در روزنامه انگلیسی «گاردین» به بررسی این موضوع پرداخته است.

رایش تأکید دارد که بزرگ ترین خطر پیش روی امریکا در جهان امروز از سوی چین نیست بلکه این خطر ناشی از تبدیل شدن امریکا به پروتو فاشیست است. امریکا باید احتیاط کند که چین را اهریمن و شیطانی جلوه ندهد چرا که در غیر این صورت وارد دور تازه ای از پارانویا خواهد شد.

با این وجود بعید به نظر می رسد که امروزه سیاستمداران امریکائی بتوانند دیدگاهی منطقی نسبت به چین داشته باشند چرا که این سیاستمداران بیشتر به موقعیت و قدرت امریکا اعتقاد دارند و بر این باورند که با زورگویی های سیاسی و تشکیل باند می توانند پیشرفت چین را مهار کنند و در حالی که ایده های ضد چینی آنها بارها با شکست مواجه شده است اما همچنان به این رویکرد ضد چینی خود پایبند مانده اند.

«شیه فنگ» معاون وزیر خارجه چین روز دوشنبه ۲۶ جولای/ ۴ اسد ضمن دیدار با «وندی شرمن» همتای امریکائی خود در شهر «تیان جین» تأکید کرد: روابط چین و امریکا به بن بست رسیده و با مشکلاتی جدی مواجه شده و علت اصلی آن این است که برخی امریکائی ها چین را به عنوان «دشمن خیالی» تصور کرده اند. طرف امریکا چین را همانند جاپان در جنگ دوم جهانی و شوروی در دوران جنگ سرد تصور کرده است و قصد دارد با مجسم ساختن چین به عنوان «دشمنی خیالی»، حس هدف ملی خود را دوباره احیاء کند و با سیاه نمائی چین، نارضایتی مردم امریکا از امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را منحرف سازد و تقصیر تناقضات ساختاری عمیق در امریکا را بر گردن چین بیندازد.

حقیقت این است که هر چقدر هم سیاست امریکا در قبال چین تغییر کند، هدف همان سرکوب و مهار چین است. در نگاه اول اینطور به نظر می رسد که سیاست «رقابت، همکاری و تقابل» دولت بایدن رویکردی متعادل تر را نسبت به سیاست های دولت «دونالد ترمپ» رئیس جمهور سابق امریکا در قبال چین پیش گرفته و صرفاً در این بین، علاوه بر رقابت، بر همکاری نیز تأکید شده است اما با نگاهی به ۶ ماه اخیر می توان به این درک رسید که همکاری از دید امریکا فقط یک تدبیر موقتی بوده و رقابت نیز دامی برای گفتمان است.

این در حالیست که رقابت متعادل و میانه رو بر این اساس تعریف می شود که از طریق احیای مداوم، قدرت نیز ارتقاء یابد اما رقابت از دیدگاه امریکا به جای ارتقاء این کشور با سرکوب چین محقق می شود.

شرمن در دیدار با «وانگ یی» عضو شورای دولتی و وزیر امور خارجه چین، بار دیگر تأکید کرد که اصطلاح نظم بین المللی مبتنی بر قوانین باید رعایت شود.

وزیر خارجه چین نیز صریحاً این اظهار نظر شرمن را زیر سؤال برد و گفت: اصطلاح قوانین امریکا به چه معناست؟ اگر این اصطلاح به منشور ملل متحد و قوانین بین المللی اشاره دارد، چین مدت هاست که تأکید کرده است که همه کشورها باید این قوانین را رعایت کنند و اگر اصلاح قوانین امریکا تدوین شده توسط خود امریکا و تعداد معدودی از کشورهاست، در این صورت چه دلیلی دارد که چین این قوانین را تحمل کند؟ وقتی چین در تدوین این قوانین حضور نداشته است، چرا باید آنها را رعایت کند؟

امکان ندارد که چین قوانینی را که هدف از آنها صرفاً تأمین منافع امریکاست، رعایت کند. امریکا هنوز از رویای قدیمی سلطه خود بر جهان گذشته بیدار نشده است و عادت دارد که به نام دموکراسی، اقدام به تحمیل تحریم علیه کشورهای مستقل نماید و وقتی کشوری در برابر مداخلات امریکا مقاومت می کند، واشنگتن آن کشور را ناقض قوانین معرفی می کند و مجازات پر سر و صدائی علیه آن کشور به راه می اندازد.

حقیقت این است که امریکا نمی تواند تعریفی برای این قوانین داشته باشد. به عقیده واشنگتن، معیارهای رفتاری امریکا به معنای قوانین است و در نهایت قوانین بین الملل و قراردادهای بین کشورها صرفاً ابزاری برای تأمین منافع امریکا هستند. به این ترتیب می توان گفت که یکجانبه گرایی و سلطه جوئی امریکا در برخورد با قوانین بین المللی به وضوح دیده می شود.

فرهنگ کنفوسیوس به مهربانی، ادب، مجاهدت، عدالت، خرد و اعتماد اهمیت می دهد. چینی ها با حسن نیت صحبت می کنند اما به عکس چین، برخی سیاستمداران امریکائی هستند که با وجود این که وارد قرن بیست و یکم شده اند، ولی هنوز در تفکرات قرن بیست و حتی نوزده باقی مانده اند و باید با زبانی قابل فهم با آنها صحبت کرد.

چین در جریان مذاکرات «تیان جین» دو «چک لیست» به امریکا ارائه کرد و در عین حال به ترسیم سه خط قرمز پرداخت. دو چک لیست چین عبارتند از این که امریکا سیاست های اشتباه، گفتار و کردار خود در قبال چین را اصلاح نماید و لیست دیگر شامل پرونده هائی است که چین توجه ویژه ای برای آنها قائل است.

این دو لیست را می توان در قالب یک لیست نیز در نظر گرفت که همان «لیست تجدید نظر» مورد نیاز امریکا محسوب می شود.

دشمن انگاری چین، راه نجات امریکا نیست

سه خط قرمز ترسیم شده از سوی چین نیز عبارتند از این که: امریکا نباید سیستم سوسیالیستی با ویژگی های چینی را به نبرد فراخواند، تهمت بزند و یا به دنبال براندازی باشد و در عین حال نباید درصدد این باشد که مانع توسعه اقتصادی چین شود و یا این که پیشرفت اقتصادی چین را مهار کند. امریکا بر اساس این خطوط قرمز تعریف شده از سوی چین حق ندارد حاکمیت و تمامیت ارضی چین را نقض کند.

حرف و خواسته های چینی ها کاملاً مشخص و واضح است ولی سؤال اینجاست که آیا امریکا این درخواست های چین را کاملاً درک کرده است یا خیر؟

نادیده گرفتن خواسته ها و هشدارهای چین، برای امریکا پیامد دارد و امریکا باید هنگام تعامل با چین این نکته را در ذهن داشته باشد که به خواسته های چین اهمیت بدهد و به آنها احترام بگذارد چرا که اگر امریکا همواره چین را

«دشمنی خیالی» جلوه دهد و سیاست ها و اقداماتش را بر اساس این دیدگاه در قبال چین تدوین کند، نه تنها نمی تواند چین را مهار کند بلکه دیگر راه نجاتی برای خود امریکا نیز باقی نخواهد ماند.

© China Radio International.CRI. All Rights Reserved

16A Shijingshan Road, Beijing, China. 100040